

پس از شکست رسوایی تجاوز توسط یک عامل عجیب و محاسبه نشده، طوفان شن، کارتر و هارولد براون، وزیر جنگ آمریکا، اعلام کرد که اسناد طبقه بندی شده سری در صحنه عملیات به جای مانده است. بلافاصله، به دستور مستقیم بنی صدر، که در آن زمان فرماندهی کل قوا را به دست داشت، فائتوم‌های ایران هلیکوپترهای بی دفاع و در شن مانده را بمباران کردند!

دلگرمی آمریکا به همپیمانان

عمان و پاکستان در این عملیات امکانات خود را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار دادند. (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، نگرشی بر ماجرای طیس، ص ۱۲۵)

عمل داخلی آمریکا که در این عملیات مشارکت داشتند، که بودند؟ اسنادی که بعداً فاش شد، نقش صادق قطب زاده و بنی صدر را در رأس این نیروها روشن ساخت: ابوالحسن بنی صدر پیش از انقلاب مدتی کارمند «مؤسسه تحقیقات اجتماعی» زیر نظر دکتر احسان نراقی و دکتر هوشنگ نهبانندی بود و در کنگره سازمان جهانی جوانان در حیفا اسرائیل شرکت جسته بود. او پیش از انقلاب با حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار و با نام مستعار اس. دی. لور-ا-یا سازمان «سیا» همکاری می کرد.

امریکا برای تجاوز طیس به همیاری ارتجاع منطقه و عمال داخلی خود در ایران پشتگرم بود. برژینسکی می نویسد: «در انجام این عملیات ما از همکاری صمیمانه یک کشور دوست و همکاری غیرمستقیم چند کشور دیگر منطقه که از چگونگی این عملیات و هدف آن اطلاع نداشتند برخوردار شدیم. سادات همانطور که انتظار داشتیم بی دریغ امکانات خود را در اختیار ما گذاشت. چند کشور دیگر هم در تدارک این عملیات در داخل ایران با ما همکاری کردند.»

نام این کشورها چیست؟ برژینسکی به دلایل سیاسی - امنیتی پاسخ نمی دهد. ولی «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به این سؤال چنین پاسخ می دهند: «کشورهای مصر، عربستان سعودی، ترکیه،

عملیات نجات تلخ ترین شکست

برای آمریکا به من دست داد. در آن روز غم انگیز با وجود ناراحتی و تأثر شدیدی که در چهره همه خواننده می شد آرامش و سکون غریبی بر کاخ سفید حکمفرما بود... نیازی نیست بگویم که شکست عملیات نجات تلخ ترین شکست و دلشکستگی برای خود من در مدت چهار سال خدمت در کاخ سفید بود.»

برژینسکی می نویسد: ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه صبح روز ۲۴ آوریل، ژنرال جونز به من اطلاع داد که هوای منطقه مساعد بوده و هر هشت هلیکوپتر در راه مأموریت خود هستند. اما در ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه همه چیز ناگهان تغییر کرد و براون تلفنی خبر داد که یکی از هلیکوپترها به علت اشکال فنی در نتیجه طوفان شن نمی تواند در مأموریت شرکت کند... یکی از هلیکوپترها با یک هواپیمای «سی - ۱۳۰» برخورد کرده و آتش گرفته و منجر به تلفاتی هم شده است ...

کارتر با ناراحتی و غرغریکنان زیر لب گفت: «لغت بر... لغت بر... کارتر حالت کسی را داشت که کاردی در بدن او فرو کرده باشند. درد و رنج تمام وجود و چهره او را فرا گرفته بود... کارتر با چهره‌ای غمزه به من نگاه کرد و گفت: برنامه لغو شد و بعد سرش را بین دو دست گرفته و در حدود ۵ ثانیه روی میز خیره ماند. تأثیر فوق العاده‌ای برای او و

در آن روز اعماق آن برای مردم پنهان بود و به احساسات «تند» و «انقلابی» ایشان نسبت داده می شد. آنرا ماه ۱۳۵۸ روزنامه امکاناتی موجود باشد، با افرادی که می توانستند در انقلاب ایران نقشی داشته باشند تماس برقرار شود. لذا زمانی که امام در فرانسه بود، یک افسر بازنشسته «سیا» مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای بنی صدر تماس برقرار نماید. زمان این ملاقات اولیه کمی قبل از مراجعت امام به تهران است که در فرانسه برقرار شده بود... هدف نهایی ما به استخدام در آوردن بنی صدر بود... در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نمود که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمیانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار را پذیرفت. (کتاب غائله چهاردهم اسفند) همزمان با اشغال لانه جاسوسی، بنی صدر در پست سرپرست وزارت خارجه جمهوری اسلامی دست به اقدامی زد که

برای آمریکا به من دست داد. در آن روز غم انگیز با وجود ناراحتی و تأثر شدیدی که در چهره همه خواننده می شد آرامش و سکون غریبی بر کاخ سفید حکمفرما بود... نیازی نیست بگویم که شکست عملیات نجات تلخ ترین شکست و دلشکستگی برای خود من در مدت چهار سال خدمت در کاخ سفید بود.»

کارتر با ناراحتی و غرغریکنان زیر لب گفت: «لغت بر... لغت بر... کارتر حالت کسی را داشت که کاردی در بدن او فرو کرده باشند. درد و رنج تمام وجود و چهره او را فرا گرفته بود... کارتر با چهره‌ای غمزه به من نگاه کرد و گفت: برنامه لغو شد و بعد سرش را بین دو دست گرفته و در حدود ۵ ثانیه روی میز خیره ماند. تأثیر فوق العاده‌ای برای او و

اقدام بنی صدر در تجاوز طیس

توسط یک عامل عجیب و محاسبه نشده، طوفان شن، کارتر و هارولد براون، وزیر جنگ آمریکا، اعلام کرد که اسناد طبقه بندی شده سری در صحنه عملیات به جای مانده است. بلافاصله، به دستور مستقیم بنی صدر، که در آن زمان فرماندهی کل قوا را به دست داشت، فائتوم‌های ایران هلیکوپترهای بی دفاع و در شن مانده را بمباران کردند! اسناد مهم و فوق محرمانه آمریکا نابود شد تا چهره عمال داخلی شیطان بزرگ و ابعاد اعلام نشده این تجاوز در پس پرده بماند. در این حادثه برادر پاسدار، محمد منتظر قائم، فرمانده سپاه یزد به شهادت رسید.

نقش بنی صدر در تجاوز طیس نیز جالب توجه است: توسط فرماندهان نظامی که بنی صدر گماشته بود، تیمسار شادمهر، رئیس ستاد مشترک وقت و تیمسار باقری، فرمانده وقت نیروی هوایی، روز ۱۳۵۹/۲/۵ به پایگاه یکم شکاری (پایگاه مادر) دستور داده شد که سریعاً توپ‌های ۲۳ میلیمتری ضد هوایی که حریم حفاظتی فرودگاه و پایگاه را تأمین می کرد، جمع آوری شود. این عمل در پایگاه‌های دیگر مانند شیراز، ایستگاه رادار شرآباد مشهد و... نیز انجام شد. باند فرودگاه تهران تا روز یکشنبه ۱۳۵۹/۲/۷ روز تجاوز بدون مراقبت بود و بالاخره، پس از شکست رسوایی تجاوز

بخش دوم عملیات تجاوز نظامی

به دنبال این سفرها بود که «برژینسکی پس از سفر محرمانه خود به بغداد در اوایل ماه مه سال جاری [اردیبهشت ۱۳۵۹] در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: تا مصاد قابل ملاحظه‌ای بین

در اسفند ۱۳۵۸، بختیار به یکی از ضدانقلابیونی که به دیدار شرف رفته بود، گفت: «صدام برای ادامه حکومت خود با تمام قوا علیه حکومت آقای خمینی اقدام خواهد کرد.»

و سپس بختیار به ملاقات صدام رفت. به گفته توماس ام. دالی، ناخدای نیروی دریایی آمریکا: «صدام وحشت خود را از عواقب ناشی از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ برای شاپور بختیار آخرین نخست وزیر زمان شاه فاش کرد.» در جریان این قبیل دیدارها بود که: «شاپور بختیار، اوبسی و برخی دیگر از فراریان رژیم شاه که در بغداد از حمایت ویژه‌ای برخوردار بودند، با این فکر که ارتش ایران در شرف از هم پاشیدگی است و رژیم تهران درگیر تشنج‌های داخلی است کوشیدند در مورد توانایی ارتش و دولت ایران تردید ایجاد کنند. آنها که در این راستا کاری بجز تأیید نظرات دیگر منابع اطلاعاتی نداشتند، می کوشیدند رژیم ایران را، بویژه در پی گروگانگیری سفارت آمریکا و بسیج نیروهای ایرانی در مرز شوری و مناطق کردنشین شورش آسب پذیر جلوه دهند.» («لوموند دیپلماتیک» ژوئیه ۱۹۸۵)

برژینسکی برای آماده سازی و اطلاع از وضع عراق برای شروع جنگ سفرهای محرمانه مکرری به بغداد کرد، بطوری که مجله «جورنال استریٹ» مورخ ۸ فوریه ۱۹۸۰ [۱۳۵۹] یکی از این سفرهای محرمانه را فاش ساخت و «تایمز» لندن مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۸۰ به ملاقات برژینسکی و صدام اشاره کرد. («ایت دیبز»، ۱۱ اکتبر ۱۹۸۰)

ایالات متحده و عراق نمی بینیم، ما معتقدیم عراق که تصمیم به استقلال دارد [یعنی استقلال از بلوک شرق] در آرزوی امنیت خلیج عربی است و تصور نمی کنیم که روابط آمریکا و عراق سست گردد.»

حاصل تمام این تمهیدات را ناخدای نیروی دریایی آمریکا در سال ۱۳۶۴ چنین روایت می کند: «این بود که در ماه سپتامبر ۱۹۸۰ [۳۱ شهریور ۱۳۵۹] جنگ با تعرض ارتش عراق به خاک ایران و حمله هواپیماهای آن به ۱۰ پایگاه هوایی ایران آغاز شد.» (ناخدا توماس ام. دالی، جنگ دیرپای خلیج فارس، نشریه ماهانه خلیج فارس، نوامبر ۱۹۸۵)

هیچ اتفاقی - چنانکه تصور می رفت - رخ نداد. ولی مطبوعات ایران از شکست یک عملیات امریکایی‌ها برای رها سازی گروگان‌ها خبر دادند. ما به هیچ یک از گزارش‌های ایرانیان باور نداشتیم تا زمانی که وسایل ارتباط جمعی غرب آن را تأیید کردند. گویا چنین بود که «نیروی دلتا» آمریکا قرار بوده به یک حمله برق آسا به تهران دست زند. آنها زمانی که برای تجدید سوخت و تجدید آرایش در صحرای طیس ایران توقف کردند، با یک طوفان شن مواجه شدند. یک هلیکوپتر با هواپیمای حامل سوخت تصادف کرد و همه چیز به آتش کشیده شد. هشت خدمه امریکایی کشته شدند و عملیات بهم خورد. اسنادی، از جمله نقشه تهران که در آن سفارت آمریکا و اهداف دیگر نشان داده شده بود، به دست ایرانیان افتاد که هدف عملیات را ثابت می کرد. ما برای امریکایی‌ها احساس شرمساری و تلخکامی کردیم.»



نقش بنی صدر

هدف اصلی عملیات

مأمور «سیا» می نویسد: «به من گفته شده بود که دولت امریکا به طور اعم و سیاه بطور اخص در نظر دارند که اگر امکاناتی موجود باشد، با افرادی که می توانستند در انقلاب ایران نقشی داشته باشند تماس برقرار شود. لذا زمانی که امام در فرانسه بود، یک افسر بازنشسته «سیا» مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای بنی صدر تماس برقرار نماید. زمان این ملاقات اولیه کمی قبل از مراجعت امام به تهران است که در فرانسه برقرار شده بود... هدف نهایی ما به استخدام در آوردن بنی صدر بود... در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نمود که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمیانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار را پذیرفت. (کتاب غائله چهاردهم اسفند) همزمان با اشغال لانه جاسوسی، بنی صدر در پست سرپرست وزارت خارجه جمهوری اسلامی دست به اقدامی زد که

مأمور «سیا» می نویسد: «به من گفته شده بود که دولت امریکا به طور اعم و سیاه بطور اخص در نظر دارند که اگر امکاناتی موجود باشد، با افرادی که می توانستند در انقلاب ایران نقشی داشته باشند تماس برقرار شود. لذا زمانی که امام در فرانسه بود، یک افسر بازنشسته «سیا» مأمور شد که به فرانسه رفته و با آقای بنی صدر تماس برقرار نماید. زمان این ملاقات اولیه کمی قبل از مراجعت امام به تهران است که در فرانسه برقرار شده بود... هدف نهایی ما به استخدام در آوردن بنی صدر بود... در آخرین جلسه بنی صدر موافقت نمود که به عنوان مشاور اقتصادی قابل اطمینان این کمیانی فعالیت نماید و پیشنهاد حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار را پذیرفت. (کتاب غائله چهاردهم اسفند) همزمان با اشغال لانه جاسوسی، بنی صدر در پست سرپرست وزارت خارجه جمهوری اسلامی دست به اقدامی زد که

به اعتراف برژینسکی، تجاوز طیس خفیف ترین شکل عملیات نظامی بود که در دستور کار امریکا قرار داشت: «طرح عملیات نجات را من ابتدا به عنوان آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگان‌ها تعقیب می کردم و به مؤثر بودن عملیات نظامی نظیر محاصره دریایی ایران یا تصرف جزیره خارک و حملات هوایی به هدف‌هایی در داخل خاک ایران بیشتر اعتقاد داشتم.»

بهبان تجاوز نظامی «نجات» گروگان‌ها بود، ولی همانطور که برژینسکی اعتراف می کند علت واقعی چیز دیگری بود: امریکا قصد داشت ضربه شدیدی را که با اشغال لانه جاسوسی به «حیثیت جهانی» و «مطامع» او وارد شده بود جبران

به اعتراف برژینسکی، تجاوز طیس خفیف ترین شکل عملیات نظامی بود که در دستور کار امریکا قرار داشت: «طرح عملیات نجات را من ابتدا به عنوان آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگان‌ها تعقیب می کردم و به مؤثر بودن عملیات نظامی نظیر محاصره دریایی ایران یا تصرف جزیره خارک و حملات هوایی به هدف‌هایی در داخل خاک ایران بیشتر اعتقاد داشتم.»

بهبان تجاوز نظامی «نجات» گروگان‌ها بود، ولی همانطور که برژینسکی اعتراف می کند علت واقعی چیز دیگری بود: امریکا قصد داشت ضربه شدیدی را که با اشغال لانه جاسوسی به «حیثیت جهانی» و «مطامع» او وارد شده بود جبران

مقدمات عملیات نجات

که طی چند ماه گذشته برای تهیه مقدمات «نجات» به عمل آمده بود به رئیس جمهوری داد. کارتر دستور داد فرود آمدن هواپیماها و هلیکوپترها در محل تعیین شده در داخل خاک ایران و سوخت گیری آنها برای بازگشتن داده شود.»

از طراحان اصلی تجاوز طیس و مسئول اجرایی آن، چنین می نویسد: «طرح عملیات نجات، از نخستین روزهای گروگانگیری تحت مطالعه بود و من روز ۱۱ نوامبر (یک هفته پس از گروگانگیری) برای بررسی نقشه‌های عملیاتی و مشکلات این کار به پنتاگون رفتم. تصمیم برای رهایی گروگان‌ها با توسل به زور در فاصله ۳ هفته بین ۲۱ مارس تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (فروردین ۱۳۵۹) اتخاذ شد. روز شنبه ۲۲ مارس کارتر با مشاوران اصلی خود ونس، ماندیل، براون، ترنر، چوردن، جونز، پاول و خود من جلسه‌ای در کمپ دیوید تشکیل داد. ژنرال جونز گزارشی از اقداماتی



ولادیمیر کوزیچنیک، افسر ایستگاه سازمان اطلاعاتی شوروی (ک.ا.گ.ب) در تهران بود اما به مرور توسط انگلستان جذب شد و در خرداد ۱۳۶۱ به کمک M16 به لندن پناهنده شد. او در سال ۱۳۶۹ با نوشتن کتابی خاطرات خود را منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۳۷۰ با نام «ک.ا.گ.ب در ایران» ترجمه شد. کوزیچنیک در فرازی از کتاب خود به ماجرای حمله طیس اشاره می کند و می نویسد: «بسیاری از مردم در تهران و بسیاری از ما (منظور وی طرفداران بلوک غرب است) عمیقاً معتقد بودیم که در یک صبح زبیا شاهد حضور سربازان امریکایی در خیابان‌ها خواهیم بود و بدین سان زندگی در ایران دگر باره به سیر عادی خود باز خواهد گشت. در نخستین ماه‌های سال ۱۹۸۰ انواع اطلاعات درباره وقوع یک کودتای ضد خمینی به ما می رسید و ما به این گزارش‌ها توجهی نمی کردیم. این تنها بیان یک آرزو بود. این صبح موعود، بالاخره در ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ فرارسید و

هیچ اتفاقی - چنانکه تصور می رفت - رخ نداد. ولی مطبوعات ایران از شکست یک عملیات امریکایی‌ها برای رها سازی گروگان‌ها خبر دادند. ما به هیچ یک از گزارش‌های ایرانیان باور نداشتیم تا زمانی که وسایل ارتباط جمعی غرب آن را تأیید کردند. گویا چنین بود که «نیروی دلتا» آمریکا قرار بوده به یک حمله برق آسا به تهران دست زند. آنها زمانی که برای تجدید سوخت و تجدید آرایش در صحرای طیس ایران توقف کردند، با یک طوفان شن مواجه شدند. یک هلیکوپتر با هواپیمای حامل سوخت تصادف کرد و همه چیز به آتش کشیده شد. هشت خدمه امریکایی کشته شدند و عملیات بهم خورد. اسنادی، از جمله نقشه تهران که در آن سفارت آمریکا و اهداف دیگر نشان داده شده بود، به دست ایرانیان افتاد که هدف عملیات را ثابت می کرد. ما برای امریکایی‌ها احساس شرمساری و تلخکامی کردیم.»

ولادیمیر کوزیچنیک، افسر ایستگاه سازمان اطلاعاتی شوروی (ک.ا.گ.ب) در تهران بود اما به مرور توسط انگلستان جذب شد و در خرداد ۱۳۶۱ به کمک M16 به لندن پناهنده شد. او در سال ۱۳۶۹ با نوشتن کتابی خاطرات خود را منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۳۷۰ با نام «ک.ا.گ.ب در ایران» ترجمه شد. کوزیچنیک در فرازی از کتاب خود به ماجرای حمله طیس اشاره می کند و می نویسد: «بسیاری از مردم در تهران و بسیاری از ما (منظور وی طرفداران بلوک غرب است) عمیقاً معتقد بودیم که در یک صبح زبیا شاهد حضور سربازان امریکایی در خیابان‌ها خواهیم بود و بدین سان زندگی در ایران دگر باره به سیر عادی خود باز خواهد گشت. در نخستین ماه‌های سال ۱۹۸۰ انواع اطلاعات درباره وقوع یک کودتای ضد خمینی به ما می رسید و ما به این گزارش‌ها توجهی نمی کردیم. این تنها بیان یک آرزو بود. این صبح موعود، بالاخره در ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ فرارسید و

ولادیمیر کوزیچنیک، افسر ایستگاه سازمان اطلاعاتی شوروی (ک.ا.گ.ب) در تهران بود اما به مرور توسط انگلستان جذب شد و در خرداد ۱۳۶۱ به کمک M16 به لندن پناهنده شد. او در سال ۱۳۶۹ با نوشتن کتابی خاطرات خود را منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۳۷۰ با نام «ک.ا.گ.ب در ایران» ترجمه شد. کوزیچنیک در فرازی از کتاب خود به ماجرای حمله طیس اشاره می کند و می نویسد: «بسیاری از مردم در تهران و بسیاری از ما (منظور وی طرفداران بلوک غرب است) عمیقاً معتقد بودیم که در یک صبح زبیا شاهد حضور سربازان امریکایی در خیابان‌ها خواهیم بود و بدین سان زندگی در ایران دگر باره به سیر عادی خود باز خواهد گشت. در نخستین ماه‌های سال ۱۹۸۰ انواع اطلاعات درباره وقوع یک کودتای ضد خمینی به ما می رسید و ما به این گزارش‌ها توجهی نمی کردیم. این تنها بیان یک آرزو بود. این صبح موعود، بالاخره در ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ فرارسید و



این حساب معنوی است نه حساب مادی

تنها امام بود که معنی این حادثه را می فهمید: روی حساب قدرت مادی، قدرت‌های آنها میلیون‌ها برابر شما بود. روی حساب دنیایی نباید شما غلبه کنید. آنها باید با یک یورش شما را از بین ببرند. لکن همه حساب‌هایی که حسابگرها می کردند، باطل شد. پیروزی موفق با هیچ حسابی نبود... این حساب معنوی است نه حساب مادی.

برژینسکی می نویسد: «به ما اجازه داده شد طرح‌هایی را برای عملیات تلافی جویانه در نظر بگیریم، ولی اجرای این نقشه‌ها به بعد موکول شد...» و این «عملیات تلافی جویانه» چیزی نبود مگر بخش دوم عملیات تجاوز نظامی که به شکل جنگ تحمیلی آغاز شد

برژینسکی می نویسد: «به ما اجازه داده شد طرح‌هایی را برای عملیات تلافی جویانه در نظر بگیریم، ولی اجرای این نقشه‌ها به بعد موکول شد...» و این «عملیات تلافی جویانه» چیزی نبود مگر بخش دوم عملیات تجاوز نظامی که به شکل جنگ تحمیلی آغاز شد

بخش دوم عملیات تجاوز نظامی

به دنبال این سفرها بود که «برژینسکی پس از سفر محرمانه خود به بغداد در اوایل ماه مه سال جاری [اردیبهشت ۱۳۵۹] در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: تا مصاد قابل ملاحظه‌ای بین

- منابع:
- روزنامه کیهان
 - مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
 - کودتای نوزده توطئه در ایران
 - توماس ام. دالی، جنگ دیرپای خلیج فارس، نشریه ماهانه خلیج فارس، نوامبر ۱۹۸۵